

نگاه رهبر معظم انقلاب به شعر استاد مؤید، دلسوزانه و پدرانانه بود



هادی منوری

سید رضا مؤید جزو شاعرانی است که از پیش از انقلاب یعنی زمانی که کمتر شاعری به شعر آیینی توجه می کرد در این حوزه فعال بود. زنده یاد مؤید از دوران طفولیت در فضای مذهبی و هیئت ها رشد کرده بود و روح او در دریای بی کران عشق به دین و اهل بیت غوطه ور بود و این موضوع را می توان مهم ترین دلیل روی آوردن او به شعر آیینی و ماندگار بودنش در این حوزه دانست. مؤید جزو اولین شاعران آیینی بعد از انقلاب بود که با خلوص نیت در این فضا فعالیت می کرد و همین خلوص نیت و زلالی باطن باعث شده شعرش مورد توجه تعداد زیادی از مردم کشور قرار گیرد.

نگاهی که سید رضا مؤید به شعر داشت، محتشم گونه بود و این نکته نیز از دیگر دلایل اقبال هیئتی ها و صاحب نظران دینی به شعر او بود. با توجه به آشنایی رهبر معظم



انقلاب با شخصیت و شعر سید رضا مؤید از پیش از انقلاب همیشه در محافل مختلفی که با حضور ایشان برگزار می شد، شاهد توجه خاص مقام معظم رهبری به شعر او بودیم. بنده بارها و بارها شاهد این اتفاق بودم که وقتی استاد مؤید، شعر می خواند حضرت آقا با دقت خاصی به شعرها گوش می دادند و به نکات دقیقی درباره نقاط قوت شعر این شاعر

اشاره می فرمودند و چنان چه در بخشی از شعر نیاز به تغییراتی احساس می شد با نگاهی کارشناسانه این نکات را خاطرنشان می کردند. اعتقاد بنده بر این است که نگاه رهبر معظم انقلاب به شعر استاد مؤید نگاهی دلسوزانه و پدرانانه بود. اگر رهبر انقلاب نکته ای درباره اصلاح شعر، به استاد مؤید می فرمودند، این نگاه پدرانانه در اصل رهنمون هایی به تمام شاعران آیینی خراسان بود زیرا خراسان ملجأ و مرجع شعر آیینی است و حضرت آقا از این طریق صحبت هایشان را به گوش همه شاعران خراسان می رساندند.

پیش از این که سید رضا مؤید را شاعری اعتقادی بدانیم باید او را به عنوان انسانی اعتقادی به جامعه معرفی کنیم. یک انسان اعتقادی وقتی درباره موضوعی صحبت می کند با تمام وجود و از سر اعتقاداتش وارد این حیطه می شود؛ زمانی صحبت های این فرد تأثیرگذار است که ظرف وجودی او از این اعتقاد لبریز شده باشد و مؤید مثال بارز این نظریه در شعر آیینی ماست. در تشریح این موضوع باید به این نگاه اشاره کنیم که در بین برخی شاعران، قوت شعرهای عاشقانه از قوت شعر آیینی آن ها بالاتر است و ما در این زمینه مثال های زیادی را می توانیم ذکر کنیم؛ هر شاعری با توجه به آن چه روح او را بیشتر به تسخیر درآورده شعرهای قدرتمندتری می سراید و از جایی که استاد مؤید بیشترین لحظات عمرش را در فضای مذهبی و آیینی گذرانده بود شعرهای آیینی قابل توجهی دارد.

دعبل انقلاب

سید رضا مؤید را می توان دعبل انقلاب نامید زیرا او براساس ضرورت ها وارد میدان می شد و شعر می سرود



سید حسین سیدی

بنا به خاطره ای که از سید رضا مؤید نقل شده است این شاعر آیینی در دوران خدمت سربازی خود، امام رضا (ع) را در خواب می بیند و امام رضا به ایشان می گوید: «بیا در خانه ما» و بعد از آن استاد مؤید به شعر آیینی می پردازد و به عبارتی می توان گفت اذن حضور زنده یاد سید رضا مؤید در فضای شعر آیینی را امام رضا (ع) به ایشان داده اند. این استاد شعر آیینی را می توان «دعبل انقلاب» نامید زیرا سید رضا مؤید بر اساس ضرورت ها وارد میدان می شد و شعر می سرود. در حالی که تعداد زیادی از شاعران ما بر اساس حال و هوای شخصی خود شعر می گویند و شعر امروز ما بیشتر فردی است تا شعر اجتماعی.

■ برای رفتن به مراسم اهل بیت (ع) منتظر دعوت نامه نبود

امروز ما باید تأثیر اخلاق بر هنر را بررسی کنیم زیرا مشخصه یک شعر خوب تنها رعایت اصول شعری در نهایت سلامت آن نیست و اخلاق مداری خالق اثر نیز در این مسیر باید مورد توجه باشد. یکی از مواردی که امروز آفت شعر و به تبع آن شعر آیینی شده موضوع غرور است. امروز در برخی از موارد با شاعرانی در حوزه شعر آیینی مواجه می شویم که با آن که یک دهم استاد مؤید به شعر آیینی خدمت نکرده اند دچار حاشیه ای به نام غرور می شوند درواقع اخلاص و تواضع، گمشده شعر آیینی امروز است؛ اما استاد مؤید برای رفتن به مراسم اهل بیت منتظر هیچ دعوت نامه و وعده و وعیدی نبود. در بسیاری از موارد خاضعانه به مجالس اهل بیت می رفت و بی هیچ غروری به یاد اهل بیت و مناسبت های آیینی شعر می خواند. او راه را پیدا کرده بود.

■ نظر کرده امام رضا (ع)

بنده پیش از این که خواندن و نوشتن را شروع کنم با دو مجموعه «گل های اشک» و «جلوه های رسالت» زنده یاد مؤید آشنا شدم و بعدها که وارد فضای شعر شدم هرروز با زاویه های جدیدی از میزان اهمیت حضور این شاعر نامدار در ادبیات آیینی آشنا شدم.

اخوانیه استاد محمد جواد غفورزاده (شفق)

قرائت شده در مراسم نکوداشت استاد مؤید



«مؤید» عنذلیب باغ عشق است
دلش منت پذیر داغ عشق است
چه عشقی؟ عشق مصباح الهدایی
ره آورد شهیدان خدایی
اگر طبع بلندش تازه جوش است
«مؤید» باغبانی گل فروش است
به شعرش زخمه ها بر تار دل زد
فروزان آتشی در آب و گل زد
اگر شد در صف یاران مقدم
برای نام و نان هرگز نزد دم
«مؤید» سال ها از عشق دم زد
در آفاق خداجویی قدم زد
«مؤید» مدح عمرو و زید، کی گفت؟
فقط از نینوا و سِر نی گفت
«ولایت نغمه ها»یش بر لب اوست
تولا همدم روز و شب اوست
به او جامی امیر می کشان داد
«رسالت جلوه ها»یش را نشان داد
اگر سرچشمه شعرش زلال است
پیر از «گلبرگ» عشق و شور و حال است
«مؤید»، «نور باران» است شعرش
سرود سربداران است شعرش
خوشا شعری که گردد آسمان رنگ
شود وقف شهید و جبهه و جنگ
اگر شعر «مؤید» شد سرآمد
سخن هایش همه از دل برآمد
چه سوزی هست در شعر و سرودش
چه غوغایی است در اوج و فرودش
سرود او همه آوای عشق است
همه «منظومه زیبای عشق» است
صفا و معرفت، بال و پر اوست
«بهار بی خزان» هر دفتر اوست
اگر شعر «مؤید» خوش درخشید
به شعر او، تعهد روح بخشید
به دست او قلم تا داشت جوهر
نوشت از دُر و از دریای گوهر
نمی گویم که دعبل یا کمیت است
«مؤید» خاک پای اهل بیت است
فروغ مهر در آیینۀ اوست
نشان خدمتی بر سینه اوست
«مؤید» خادم شمس الشموس است
نمک پرورده سلطان طوس است
از این خورشید چون کسب ضیا کرد
در این دربار، خدمت بی ریا کرد
قلم در دست او مینای اشک است
دلش سرسبز از «گل های اشک» است
«مؤید» گرچه طبعش آتشین است
زبان حال او با اشک، این است:
«چه جان افروز و روح افزایی، ای اشک!
چراغ خلوت شب هایی، ای اشک!
اگر چه نیستی از قطره های بیش
ولی وقت اثر، دریایی، ای اشک!
به کام تشنگان وادی عشق
زالال ناب عاشورایی، ای اشک!»
«مؤید» شعر را با شور آمیخت
گلاب اشک او بر دفترش ریخت
همای طبع او در اوج پر زد
از اول بر در یک خانه در زد
به دل، مهر حسینی از ازل داشت
که شور و حال، در قول و غزل داشت
در احرام صفا، بی شک و تردید
به گرد «کعبه شش گوشه» گردید
خدا داند که می ماند برایش
زیارت نامه های کربلایش
به پاس یک گلستان گل که او کاشت
گرفتند از برای او «نکوداشت»
چه گل هایی به دست باغبان داد
چه دل ها را که با شعرش تکان داد
به شعرش گوش جان وقتی سپردم
به اخلاص «مؤید» غبطه خوردم
«مؤید» شاعر شعر ولایی است
خراسانی است اما کربلایی است
«مؤید» اهل دل را نور عین است
«مؤید» هر چه دارد از حسین است